

نگاهی کوتاه

عنایت حضرت امام خمینی(قدس سره) و مسنولیت‌های اجرایی

فعالیتها و مبارزات سیاسی

حوزه تدریس

حوزه افتا

برخی سجایای اخلاقی، اجتماعی ایشان

نگاهی کوتاه

حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی، در سال ۱۳۱۶ ش، در خانواده ای روحانی در روستای نیک آباد اصفهان ولادت یافتند. جدّ ایشان آیه الله حاج ملایوسف، از علمای پرهیزکار و وارسته زمان خود بودند. ایشان در فلسفه، از شاگردان میرزا جهانگیرخان و در فقه، از شاگردان آیه الله العظمی میرزا حبیب الله رشتی بودند. آن بزرگوار به میرزای شیرازی بزرگ، رهبر نهضت تنباکو، دلبستگی فراوان داشته و از مروّجان وی بوده است. ایشان از آزادمثنی قابل وصفی برخوردار بودند و همواره در مقابل خوانین و زورمداران آن زمان، ایستادگی می کردند.

پدرشان مرحوم حجة الاسلام آقای شیخ محمدعلی صانعی نیز عالمی وارسته و روحانی زاهد و پرهیزکاری بودند و همواره ایشان را به فراگیری علوم حوزوی فرا می خواندند. این گونه بود که معظم له، در سال ۱۳۲۵ ش، وارد حوزه علمیه اصفهان شدند و پس از گذراندن دروس مقدمات و کسب فیض از محضر علمای آن حوزه، در سال ۱۳۳۰ ش، برای ادامه تحصیل، رهسپار حوزه علمیه قم شدند.

استعداد زیاد و جدّیت فراوان ایشان، باعث شد که از همان زمان، در زمره طلاب موقّق و مورد توجّه و علاقه بزرگان حوزه در آن زمان قرار گیرند. ایشان در امتحانات سطوح عالی حوزه در سال ۱۳۳۴ ش، رتبه اول را احراز نمودند و مورد تشویق مرحوم آیه الله العظمی بروجردی(قدس سره) قرار گرفتند. از همین سال بود که با توجّه به ویژگیهای منحصر به فرد درس خارج حضرت امام خمینی سلام الله علیه، در آن شرکت نموده، توانستند با نبوغ و جدّیت خود، تا سال ۱۳۴۲ به طور مستمر از حوزه درس اصول و فقه و مبانی متقّن حضرت امام بهره برده، در زمره شاگردان برجسته ایشان قرار گیرند.

حضور فعّال در درس خارج امام سلام الله علیه طی سالیان دراز و ممارست فراوان نسبت به فراگیری مبانی و تحقیقات آن بزرگوار، اشراف ایشان را بر دیدگاه های فقهی و اصولی امام را به درجه ای رساند که به تعبیر خودشان، در حدّ شعور مبانی بود و از حدّ صرف دانستن، بالاتر.

آیه الله العظمی صانعی با سعی و اهتمام و توفیق الهی توانستند در ۲۲ سالگی به مرحله اجتهاد دست یابند. ایشان علاوه بر سالها تلمذ در حوزه درس حضرت امام، از محضر اساتید بزرگی چون: آیه الله العظمی بروجردی، آیه الله العظمی محقق داماد و آیه الله العظمی اراکی - رحمهم الله - نیز بهره برده اند و از سال ۱۳۵۴، رسماً تدریس خارج فقه را با کتاب زکات در مدرسه حقانی (شهیدین) شروع نمودند و تقریرات آن درس به قلم دو تن از شاگردانشان، موجود است.

جمع کثیری از طلاب و فضلا، با شروع درس خارج فقه ایشان، توانستند از حوزه درس معظم له استفاده کنند که اینک بسیاری از آنان، جزو محققان و پژوهشگران ارزنده حوزه اند و برخی نیز در حدّ اجتهاد هستند که در حوزه های علمیه اشتغال داشته اند و یا در اداره نظام جمهوری اسلامی، ایفای وظیفه می کنند.

عنایت حضرت امام خمینی (قدس سره) و مسئولیتهای اجرایی

حضور مستمر و موقّق آیه الله العظمی صانعی در سالهای طولانی در درس امام و جدّیت ایشان در درك و فراگیری مبانی و تحقیقات امام و مراد طولانی با آن بزرگوار، موجب شناخت ویژه حضرت امام خمینی نسبت به ایشان و بذل عنایتهای خاص شد. این عنایتهای پدرانه، براندوخته های علمی، اخلاقی و سیاسی شاگرد برجسته ای چون آیه الله صانعی افزود و توانست دیدگاه های فقهی، سیاسی و اجتماعی روشنی را برای معظّم له به دنبال آورد، تا آن جا که رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، در مورّخ ۱۳۵۸/۱۲/۱، در حالی که تنها حدود يك سال از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی می گذشت، با دقّت و آگاهی کامل و هوشیاری فراوان نسبت به همه جوانب و شایستگیهای مورد نیاز، یکی از مهم ترین مسئولیتهای علمی و اجرایی کشور را به شاگرد برجسته و یار همیشگی خود (آیه الله شیخ یوسف صانعی) سپرد و وظیفه خطیر عضویت در شورای نگهبان را به ایشان واگذار کرد. در حکم امام سلام الله علیه خطاب به ایشان، آمده است:

بنا بر اصل نود و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی که به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوّبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان تشکیل می شود که انتخاب شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز از این شورا به عهده این جانب می باشد، لذا جناب عالی را به عنوان یکی از شش فقیه، به عضویت شورای نگهبان منصوب می نمایم. از خداوند متعال، موفقیت هر چه بیشتر شما را امیدوارم.^{<۱>}

انتصاب معظّم له در شورای نگهبان، اولین حکم رسمی و مسئولیت اجرایی ایشان از سوی حضرت امام خمینی بود و همان گونه که در حکم مشخص شده است، از دیدگاه سگانداز کشتی بزرگ انقلاب، ایشان از همان ماههای اولیه پیروزی انقلاب، فقیهی شایسته، عادل و آشنا به همه شرایط و اوضاع و احوال انقلاب، مسائل روز و مورد نیاز جامعه انقلابی و مردم مسلمان ایران بوده است.

آیه الله العظمی صانعی، پس از حدود سه سال تلاش بیوقفه در این مسئولیت خطیر، در مورّخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۹ از آن شورا کناره گیری کرد. به جهت عنایت خاصّ امام به ایشان، در همان تاریخ [۱۳۶۱/۱۰/۱۹]، حضرت امام در دیدار با رئیس دیوان عالی کشور و قضات شورای عالی قضایی و شعب دیوان عالی کشور، بیاناتی ایراد نمودند و در ضمن آن فرمودند:

من از شورای عالی قضایی که بود، تشکر می کنم. اینها دو سه سال زحمت کشیدند، رنج بردند و خدمت کردند و برای مقامی هم نیامده بودند. آنها از بزرگان روحانیون هستند. آنها هم از محلّ مورد امنشان آمدند در محیطی که زحمتش زیاد و رنج و کارش زیاد و مسئولیتش پیش خدا زیاد بود. حال برای يك مرد روحانی با روحیات اسلامی، مطرح نیست که رئیس دیوان عالی کشور شود یا دادستان کلّ کشور و یا کار دیگری انجام دهد... و حالا ما می خواهیم این رنج را به گردن آقای آقا شیخ یوسف صانعی به عنوان دادستان کلّ [نگذاریم] و معرفی کنم به آقایان؛ و من آقای صانعی را مثل يك فرزند بزرگ کرده ام. آقای صانعی وقتی که سالهای طولانی در مباحثاتی که ما داشتیم تشریف می آوردند، ایشان، بالخصوص می آمدند با من صحبت می کردند و من حظّ می بردم از معلومات ایشان و ایشان، يك نفر آدم برجسته ای در بین روحانیون است و مرد عالمی است.^{<۲>}

بدین ترتیب، ایشان با تلاش بی شائبه و کوشش مستمر در يك دوره چند ساله، سرانجام از سمت خود استعفا دادند.

به دنبال استعفای معظّم له، حضرت امام خمینی در مورّخ ۱۳۶۴/۴/۱۶ طی بیاناتی چنین فرمودند:

از رفتن آقای صانعی، متأسّف و متأثرم. امیدوارم ایشان در هر کجا که باشند، فرد مؤثری باشند. از زحمات و کوششهای ایشان، تشکر و قدردانی می کنم. من ایشان را سالهای طولانی است که می شناسم. او مردی عالم، متعهد و فعّال است.^{<۳>}

همچنین امام خمینی، چندی بعد در تاریخ ۱۳۶۴/۴/۱۸ در جمع اعضای دیوان عالی کشور و مسئولان قوه قضاییه، مطالبی را ایراد

فرمودند که در بخشی از آن چنین آمده است:

۱. صحیفه امام.

۲. همان، ج ۱۷، ص ۲۳۱.

۳. همان، ج ۱۹، ص ۳۰۹.

... مسئله داستانی که همه می دانید از امور بسیار مشکل و حسّاس است و آقای صانعی که مردی فاضل و عالم است و سالها او را از نزدیک می شناسم و او را عنصری فعّال و خوب می دانم، تا به حال این سمت را داشتند که از زحمات ایشان تشکر می کنم.^۴

البته معظّم له، مسئولیتهای اجرایی دیگری نیز داشته اند که بعضی از آنها عبارت اند از: نماینده حضرت امام خمینی (قدس سره) در شورای عالی بازسازی مناطق جنگی، عضویت در اولین دوره مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده منتخب مردم تهران در انتخابات مورّخ ۱۳۶۱/۹/۱۹ با کسب بیش از دو میلیون رأی.

فعّالیتهای و مبارزات سیاسی

اغلب مبارزات سیاسی و فعّالیتهای انقلابی ایشان در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش در ابعاد فرهنگی و تبلیغاتی بوده است. این تلاشهای ظلم ستیزانه، از طریق تبلیغ، سخنرانی، حضور در تظاهرات و راهپیماییها و صدور اعلامیه و بیانیه های سیاسی انجام می گرفت. بر اساس آنچه در جلد سوم کتاب اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است، نام و امضای آیه الله العظمی صانعی، در ذیل حدود سی اعلامیه سیاسی و انقلابی به ثبت رسیده است که اولین آن، نامه ای است که پس از انتقال حضرت امام خمینی از ترکیه به نجف اشرف، از سوی علمای قم، خطاب به رهبر کبیر انقلاب نوشته شده است. تاریخ انتشار این نامه مهر ماه ۱۳۴۴ است.

همچنین آخرین بیانیه ای که نام و امضای ایشان و دیگر همراهان انقلاب در ذیل آن می درخشد، اعلامیه ای است که در مخالفت با دولت بختیار، در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۷ صادر شده است. البته بدیهی است که تمامی اعلامیه های آن دوران، در کتاب مزبور نیامده است.

مهم ترین بیانیه شدیدالحن علمای قم در قبل از انقلاب، درباره «خلع ید شاه از حکومت» است که به تأیید جمعی از فضلا و مدرّسان حوزه علمیه قم رسیده است و نام و امضای آیه الله صانعی نیز در ذیل آن به چشم می خورد. موضوع اعلامیه مذکور، همچون سایر بیانیه های سیاسی آن دوران، بسیار حسّاس، خطرناک و به گونه ای بود که تنها انقلابیان واقعی و یاوران شجاع حضرت امام خمینی، جسارت امضای آن را داشتند؛ چه اینکه بسیاری از آن اعلامیه ها، از دیدگاه حکومت پهلوی، جرمی نابخشودنی و مستوجب قتل بود. شاید ترس از همین عواقب خطرناک موجب گردید تا امضای افراد معدودی از علما در ذیل اعلامیه «خلع شاه از حکومت» قرار گیرد. سردمداران حکومت پهلوی، برای جلوگیری از رشد فزاینده انقلاب اسلامی، همواره می کوشیدند تا مسئله مرجعیّت امام خمینی را خدشه دار جلوه دهند و از آن طریق، در اذهان عمومی نسبت به صلاحیت علمی، سیاسی و مذهبی معظّم له خللی وارد کنند. از این رو، جمعی از علما و فضلاء حوزه های علمیه، از جمله حضرت آیه الله صانعی، بخشی از تلاش سیاسی و علمی خود را در خنثا کردن این توطئه حکومت پهلوی قرار دادند و در جهت تثبیت مرجعیّت امام خمینی، فعّالیت می کردند.

حوزه تدریس

آیه الله صانعی، در طول سالیان متمادی، علاوه بر فعّالیتهای متفاوت دیگر، اهتمام زیادی به تدریس در حوزه علمیه داشتند، به طوری که هم زمان با يك دوره هیجده ساله تبلیغ که هر هفته از قم به تهران مسافرت می کردند، روزانه، سه جلسه تدریس در قم داشتند: تدریس کتاب مکاسب در مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام)؛ تدریس کفایة الأصول و خارج فقه در مدرسه حقّانی. معظّم له، اغلب کتابهای دوره مقدمات و سطح را تدریس کرده اند. علاوه بر آن، علاقه و تبحر ایشان در تدریس از يك سو، و درخواست طلاب از سوی دیگر، موجب شده تا برخی از کتابها را به دفعات متعدد تدریس کنند، به طوری که کتاب گرانسنگ و محققانه کفایة الأصول را پانزده دوره تدریس کرده اند.

ایشان پس از حدود هشت سال، در حالی که همچنان به تدریس برخی از کتب دوره سطح اشتغال داشتند، در سال ۱۳۵۲ تدریس دوره خارج اصول را در مدرسه علمیه حقّانی شروع کردند و پس از گذشت ۲۲ سال، در سال ۱۳۷۳ آن را به پایان رساندند.

آشنایی حضرت آیه الله العظمی صانعی با مبانی اصولی و فقهی حضرت امام خمینی (قدس سره) و اشراف کامل بر آنها به دلیل سالها تلمذ و تمحص در محضر آن بزرگوار، ویژگی خاصی به درس خارج ایشان در حوزه داده است. استاد که حدود ۲۵ سال است به تدریس درس خارج فقه مشغول هستند، محور درس را تحریرالوسیله حضرت امام خمینی قرار داده و همواره، علاوه بر تشریح و ارزیابی دیگر مبانی فقهی، عنایت ویژه ای به بررسی مبانی امام (قدس سره) دارند و این، برای حوزه جای بسی تأسی دارد و با ارزش است. روشن بینی و نگاه نقادانه معظم له، همراه با تعظیم و تکریم بسیار نسبت به سلف صالح و شیوه فقهی حوزه ها، و نیز دیدگاه ها و مبانی متین و راهگشای استاد - دام ظلّه - در درس، برای صدها طلبه و روحانی فاضلی که در درس ایشان حضور می یابند، نکات ارزنده و راهگشایی را بویژه در حلّ معضلات اجتماعی و ارائه تصویری روشن از فقه به همراه دارد. دیدگاه های اجتماعی روشن، منطقی و راهگشا و توجه به واقعیات جامعه و عرف، همراه با اشراف لازم بر سلوکه های پذیرفته شده در فقه، دقتهای ارزشمند در فقه الحدیث و عنایت خاص به ارزیابی صحّت و سقم اسناد روایات و توجه خاص به آرای فقهی اصحاب، از جمله ویژگیهای درس ایشان است.

علاوه بر دایر بودن حوزه درس عمومی، به صورت منظم و مستمر، جمع دیگری از فضلاء حوزه نیز از حضور استاد استفاده می کنند. چند سالی است که ایشان فقط به تدریس فقه می پردازند و تاکنون، موقّق به تدریس کتابهای زکات، خمس، حج، قضا، حدود، دیات، نکاح، طلاق، ارث و قصاص شده اند و اینک کتاب شهادت را تدریس می فرمایند. علاوه بر این، بخشی از کتاب وقف، صلوات مسافر، منجزات مریض، تقیّه، لاضرر، حجر، مسائل مستحدثه و برخی مسائل دیگر را نیز به بحث گذارده اند که بعضی از آنها در حال تدوین است.

توصیه استاد معظم به فضلاء حوزه در پذیرفتن مسئولیتهای مهم انقلاب و نظام، و نیز عنایت به حرکت فقهی، اخلاقی و انقلابی حوزه، باعث شده است تا شاگردان، به مناسبتهای مختلف، افزون بر توشه های ارزشمند فقهی، اصولی و رجالی، خود را فراروی مسئولیتهای عظیم اجتماعی و سیاسی ببینند. تعظیم ایشان نسبت به فقه در درس و تکریم تلاشهای عمیق و گسترده فقهی گذشته از يك سو، و ارزیابی عالمانه ایشان نسبت به ادله، بویژه آیات و روایات از سوی دیگر، باعث می شود که باور ارزشمند شاگردان نسبت به فقه بی نظیر شیعه و فقهی عالی قدر آن، عمق یابد و از جانب دیگر، موجب شده تا حسّ شجاعت ارزیابی اقوال گذشتگان و نیز اعتقاد به راهگشایی فقه در بین شاگردان، تقویت شود.

انس با مردم، شناخت دقیق روابط اجتماعی و عرف، آگاهی از نیازهای اجتماعی و واقعیات روز، درک عمیق مبانی جامع و متّمن امام راحل (قدس سره)، در کنار حفظ اکید موازین و چارچوبهای فقهی و اهتمام به ادله متّمن شرعی، علاوه بر دستاوردهای ارزشمندی که در مقام افتا دارد، افقهای تازه ای را به روی شاگردان می گشاید و این احساس را در آنان تقویت می کند که فقه استوار شیعه، بر چه مبانی روشن و مستحکمی تکیه دارد و همواره زنده و راهگشاست؛ چنان که تشویق مستمر شاگردان خوش استعداد توسط ایشان، سبب دل گرمی و شکوفایی استعداد آنان می شود.

حوزه افتا

سختگیری استاد معظم در نتبّع و تحقیق، و دقت زیاد بویژه در فقه الحدیث، موجب آن نشده است که در مقام افتا سختگیر باشند؛ چرا که در فهم آیات و روایات و مبانی استنباط، توجه ویژه ای به اصل و قاعده سهولت دارند و این فرموده مرحوم صاحب جواهر را به جناب شیخ انصاری، همواره مورد توجه قرار داده اند که «از احتیاط های خود بکاه؛ زیرا دین اسلام، شریعت آسان است».

معظم له، علاوه بر طرح عمومی مسائل فقهی مورد نظر و بررسی آنها در جمع زیادی از طلاب و فضلا که هر روز در بیت ایشان حضور می یابند، با تشکیل گروه استفتا، از تبادل نظر و همکاری آنان نیز برخوردارند.

کتابی که از حضرت استاد تاکنون چاپ شده، عبارت اند از: رساله توضیح المسائل، مناسک حج، مجمع المسائل (دو جلد)، منتخب الأحكام، استفتائات پزشکی، مصباح المقلّین، احکام بانوان، کتاب الطلاق. همچنین ایشان حاشیه هایی بر تحریرالوسیله و عروة الوثقی

به زبان عربی نگاشته اند. تألیفات و آثار دیگر ایشان عبارت است از: تقریرات درس خارج حضرت امام خمینی، رساله ای در قاعده فراغ و تجاوز، رساله ای در تقیّه، رساله لاضرر.

با توجه به مراجعات و سؤالهای بسیاری که از ایشان می شود، تاکنون به چندین هزار استفتا پاسخ داده اند و آنچه درباره کتاب مجمع المسائل ایشان قابل توجه است، اینکه شیوه پاسخگویی معظّم له در کتاب مزبور، به سبک مرجع عظیم الشان و فقیه بزرگوار، میرزای قمی (قدس سره) است، به گونه ای که علاوه بر فتوای مورد نظر، در برخی موارد، به دلایل و مستندات فقهی آن فتوا اشاره شده است که از نظر آموزشی و علمی، برای پژوهشگران علوم حوزوی و نیز فقه پژوهان، بسیار مفید و قابل توجه است. ایشان با همه تکریم و تعظیمی که نسبت به فقهای عظام و آرای اصحاب، بویژه آرای مشهور دارند و همواره حوزه ها، بویژه شاگردان خود را به شناخت بهتر و تعظیم فراوان نسبت به فقهای اصحاب فرا می خوانند و با خضوع تمام، از آنان با عظمت یاد کرده، آرای آنان را می ستایند؛ اما حریت و سعه اندیشه فقهی ایشان، و توجه ویژه به ادله و به استناد مبانی متقنی که در اصول و بویژه در فقه دارند، باعث شده است که فتاوا و نظریات ابتکاری زیادی را در حوزه عمل مکلف و مقلدان ارائه فرمایند. این فتاوا که همگی در چارچوب اصول و ملاکهای فقهی حوزه های فقه صادر شده، در بسیاری موارد، توانسته است راهگشای معضلات و مشکلات مکلف در حوزه عمل فردی و اجتماعی باشد. برای آشنایان به مبانی و ادله، رجوع به تفصیل مباحث و مستندات فتاوی مذکور، می تواند سرمایه ارزشمندی در تلقی بهتر و دقیق تر ادله و نیز پاسخگویی به نیازهای فقهی جامعه باشد که موارد زیر از جمله آنهاست:

۱. ایشان درباره ولایت فقیه می فرماید: بر مبنای ولایت فقیه، هر مجتهدی که جامع شرایط باشد، منصوب برای ولایت است و نسبت به مردم، مشروعیت اجرا در مصالح عامّه - که اسلام حکم خاصی ندارد -، منحصرأ با مردم و نظر اکثریت و توده آنان است و مشروعیت، منوط به آرا و رضایت آنان به طور کلی و یا از طریق اکثریت است و دستور اجرای آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم، با ولی فقیه است.

۲. درباره بلوغ دختران، معظّم له، موثقه عمّار ساباطی که شرط سنّی را سیزده سال قمری می داند، ترجیح داده، می فرماید: در صورت عدم احراز سایر علایم بلوغ که نصوص و فتاوا متعرّض آنهاست، دختران در این سن (سیزده سالگی) به تکلیف می رسند.

۳. درباره قضاوت زنان فرموده اند: ذکوریت در قضاوت، خصوصیت ندارد و حجّت شرعی بر خصوصیت هم نداریم و کسی که ولایت بر قضا دارد، می تواند آنان را برای قضا (مخصوصاً در امور مربوط به زنان و حقوق خانوادگی) منصوب نماید، و این به خاطر حجّیت اطلاق ادله قضا بر عمومیت و شمول است؛ و همچنان که مردان از قبیل امّّه معصوم (علیهم السلام) مجاز در تصدّی قضا هستند، زنان هم از قبیل آنها مجازند، مخصوصاً نسبت به شئون زنان و حقوق آنها.

۴. در مورد ولایت بر صغیر و اموال او، با نبودن پدر، نظر معظّم له این است که مادر، قیم قهری است و مشمول ادله احسان و معروف و خیر و برّ است و ولایت بر صغیر، بیش از برّ و احسان، چیز دیگری نیست و به حکم آیه شریفه: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ»^۵ مادر بر پدر بزرگ، اولویت دارد، و با نبود مادر، پدر بزرگ، قیم فرزند است.

۵. ایشان در باب تفاوت دیه زن و مرد می فرماید: دیه زن و مرد، مساوی است و این حکم، مستفاد از اطلاق ادله دیه است، و دلیل معتبری بر تقیید نداریم.

۶. در مورد کثیرالسفر می فرماید: کسانی که مرتباً قبل از ده روز، يك سفر چهار فرسخی بروند (چه در رابطه با شغل یا غیر شغل) و ده روز در يك جا نمانند، کثیرالسفرند، و اگر افراد برای زیارت هم مسافرت کنند، نمازشان تمام و روزه آنان صحیح است.

۷. درباره موسیقی، نظر معظّم له چنین است که حرمت موسیقی و غنا، حرمت محتوایی است و هر صوت و غنا و موسیقی ای که در آن، ترویج بی بند و باری و بی عفتی و به انحراف کشیدن انسانها نباشد و چهره اسلام را بد نشان ندهد، حرام نیست.

۸. ایشان در مورد کفار می فرماید: اظهر طهارت آنان، همانند طهارت مسلمانان است. گرچه کفار حربی که بر سر اسلام و اعتقاد مسلمانان با آنان می جنگند (نه به سبب جهات دیگر) و معاند دینی هستند (همانند اندکی از بقیه کفار که با یقین به حقانیت اسلام، باز منکر آن هستند)، محکوم به نجاست اند.

۹. درباره ربا فرموده اند: حکم تحریم ربا که در آیات و روایات آمده و به آن اشاره شده، مختص به ربای استهلاکی است نه ربای استتاجی.

۱۰. معظم له، قائل به عمومیت قصاص است برای قتل هر انسانی که خونش در حکومت اسلامی محترم است، بدون تفاوت از حیث مسلمان و کافر بودن قاتل و مقتول. قصاص، حیاتی است برای صاحبان خرد: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»^۶ و این نظریه، مستند است به اطلاقات و عمومات قصاص و برخی از اخبار مسئله که حجّت است.

۱۱. ایشان در مورد ولایت و حاکمیت و مرجعیت و بقیه شئون فقیه، ذکوریت را شرط نمی دانند و مناط را همان فقه و تقوا می دانند. ایشان مدّعی است که در حقوق اسلامی، همچنان که تبعیض نژادی نیست و سفید و سیاه برابری دارند، تبعیض جنسیتی و ملیتی نیز وجود ندارد. همچنین معظم له، نظریات دیگری دارند که گویای عدم تبعیض است و تفصیل این مباحث را از کتب و رسائل عملیه ایشان، مخصوصاً کتاب منتخب الأحكام می توان یافت.

برخی سجایای اخلاقی، اجتماعی ایشان

ارادت خالصانه و عمیق و در عین حال، آشکار معظم له به خاندان عصمت و طهارت، بویژه ساحت مقدّس حضرت فاطمه - صلوات الله علیهم اجمعین - همواره برای اساتید، فضلا، شاگردان، مراجعان و عموم طبقاتی که به حضور ایشان می رسند، شایان توجه است.

تواضع ایشان نسبت به مردم، بویژه روحانیان معظم و اهل علم در حدّ خضوع، تکریم و احترام طلاب و دانشجویان، تجلیل از اساتید و فضلا و تأکید بر لزوم حفظ شئون و احترام بزرگان حوزه، از ویژگیهای مشهود معظم له است. علاقه صادقانه، همراه با سوز و شفقتی که نسبت به عموم جامعه، بویژه مردم دردمند و گرفتار دارند؛ ارادت همراه با تکریمی که نسبت به ایثارگران، خانواده های شهدا و جانبازان دارند و نیز توجهی که به طبقات مستضعف جامعه دارند و خود، دردها و ناملایمات آنان را تا عمق جان درک نموده و تجربه کرده اند؛ سادگی بیت ایشان، ساده زیستی و احتیاط زیاد در استفاده از وجوه شرعی، همه باعث شده است که بسیاری از طلاب و فضلا و طبقات مختلف جامعه، به راحتی بتوانند با ایشان رابطه مستقیم داشته باشند و مسائل مورد نظرشان را مطرح کنند.

اینها و آنچه پیشتر گفته شد، نه تنها استاد معظم را از توجّه مسئولانه نسبت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و لزوم حفظ و تقویت آن، و نیز موضعگیری درباره مسائل جهان اسلام و دخالت در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و توجّه دادن به مصالح عالی اسلام و انقلاب و نظام و همراهی و همکاری برای فائق آمدن انقلاب و نظام بر مشکلات، باز نداشته، بلکه مؤیدی بر آن شده است.

نظریات فقهی، سیاسی و اجتماعی ایشان، یادآور این کلام امام خمینی سلام الله علیه است که «انبیا شغلشان سیاست است و دیانت، همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می دهد و به تمام چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است، هدایت می کند». معظم له، رابطه مرجعیت و سیاست را نشئت گرفته از روح فرهنگ و تعالیم دین و شریعت می داند.

از درگاه خداوند - عزّوجل - ، سلامت و عزّت بیشتر این فقیه بزرگوار را آرزو می کنیم و امیدواریم در سایه نظام جمهوری اسلامی و به برکت انفاس قدسی امام راحل (قدس سره)، حوزه های علوم اسلامی و جامعه اسلامی، همواره از چنین فقهای برخوردار باشند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته